مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۱۷ ، پاییز ۱۳۹۸جلد۲، ص ۱۱۲-۱۰۱
http://www.jisc.ir

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۷ / پاییز ۱۳۹۸ / ص ۱۱۲-۱۰۱

مردم شناسی(فرهنگ‌شناسی) در آثار ابوریحان بیرونی
(باتکیه بر دو کتاب تحقیق ماللهند و آثار الباقیه)

حسن شجاعی[۱]، مهدی شجاعی[۲]، سید عبدالهادی دانشی[۳]، تورج فرهادی[۴]، سارا سخاوت[۵]

[۱] کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز
[۲] کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یاسوج
[۳] کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه یاسوج
[۴] کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز
[۵] کارشناس پژوهشگری علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور استهبان

(نویسنده مسئول):
حسن شجاعی

چکیده

بحث محوری این مقاله بررسی مردم شناسی و فرهنگ‌شناسی در آثار ابوریحان بیرونی است. پیش فرض ما در این مقاله این است که آیا بیرونی با روش و بینش خاصی به مطالعه فرهنگ‌های مختلف پرداخته است. روش ما در این مقاله روش توصیفی است، وشیوه گردآوری داده‌های تحقیق نیز مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، شامل کتب، مجلات، مقالات و استفاده از منابع اینترنتی می‌باشد. پس از گرد آوری اطلاعات به این نتایج دست یافتیم که ابوریحان با تألیفات متعدد خویش نقش مهمی در فرهنگ و تمدن اسلامی و جهان ایفا کرد. و دو اثر ارزشمند وی کتاب‌های تحقیق ماللهند و آثارالباقیه، در رشته علوم انسانی، به خصوص مردم شناسی بسیار اهمیت دارند. همچنین بیرونی هم ازبینش انسان شناختی قابل قبولی برخوردار بوده است و هم روش مناسبی در تلاش علمی خویش به کار گرفته است.

مفاهیم کلیدی: بیرونی، تحقیق ماللهند، آثارالباقیه، مردم شناسی

مقدمه

هر علمی کوششی است برای توصیف و تبیین پدیده‌های طبیعی، و هدف انسان‌شناسی توصیف و تبیین یک پدیده طبیعی خاص است که همان انسان هوشمند یا نوع بشر است. بیشتر آنچه را انسان‌شناسان در پژوهش‌های نوع بشر مورد بررسی قرار می‌دهند، به فرهنگ راجع است. فرهنگ به تعبیر گسترده آن، عبارت است از نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتارها و مصنوعاتی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد. بررسی انسان شناختی مقایسه میان فرهنگ‌های معاصر و پژوهش‌های راجع به دگرگونی‌های فرهنگی و زیست‌شناختی را در بر می‌گیرد. به سخن دیگر، انسان‌شناسی بررسی همه اقوام بشری را در سراسر جهان و در راستای زمان هدف پژوهش خود می‌داند و به موضوع‌های گوناگونی می‌پردازد. همین وسعت دامنه بررسی است که به انسان‌شناسی سر زندگی می‌بخشد. رشته انسان‌شناسی گسترده‌تر از آن است که یک فرد بتواند بر همه آن احاطه یابد. به دلایل تاریخی و علمی، این رشته در آمریکای شمالی در چهار خرد رشته سازمان گرفته است؛ انسان‌شناسی جسمانی، باستان‌شناسی، انسان‌شناسی زبان‌شناختی و انسان‌شناسی فرهنگی، و به هر روی، این تفاوت حوزه‌ها در مقایسه با تاثیر متقابل و پویایی که افکار و روش‌های هر حوزه بر حوزه‌های دیگر می‌گذارد، چندان اهمیتی ندارد [۱].

از نیمه دوم قرن نوزدهم مردم‌شناسی یا انسان‌شناسی چه به مفهوم شناخت موجودیت بیولوژیک انسان و چه به عنوان شناخت موجودیت فرهنگی انسان وارد محافل علمی می‌شود. این ورود، همزمان با جامعه‌شناسی انجام می‌گیرد [۲]، در این زمان است که برای نخستین بار، با ظهور گروهی از نهادها روبرو هستیم که تلاش می‌کنند از مجموعه داده‌های گردآوری شده به وسیله جهان‌گردان، مسیونرها و فاتحان از یک سو و مجموعه تفکرات فلسفی و اجتماعی از دیگر سو، دست به تالیف‌زده، علمی تازه را با مکانیسم‌ها و روش‌شناختی خاص آن به وجود بیاورند. در این زمان است که در بیشتر دانشگاه‌های اروپا و آمریکا کرسی مطالعه انسان‌شناسی فرهنگی به وجود می‌آید که مشغول مطالعه انسان در ابعاد فرهنگی آن می‌باشد [۳].

تمدن امروز جهان حاصل تلاش جامعه انسانی است، که در آن دانشمندان و نخبگان نقش اصلی را ایفا کرده‌اند. بی‌شک در ساخت این تمدن، دانشمندان مسلمان نقش مهمی داشته‌اند و با تألیفات خود مبانی نظری را تدوین و راه و طریق پیشرفت و تکامل جامعه‌ی انسانی را فراهم کرده‌اند. اگرچه امروز غرب خود را پرچمدار مدنیت می‌داند، در گذشته مسلمانان عهده‌دار آن بوده‌اند و جهان اسلام عرصه‌ی تلاش و فعالیت دانشمندان در عرصه‌های مختلف بوده‌است. ازجمله این دانشمندان مسلمان، ابوریحان بیرونی، محقق، منجم و دانشمداسلامی است که تألیفات و تحقیقاتش نقش بسیار ارزنده‌ای در تمدن اسلامی و حتی جهان داشته است و امروز، بعد از گذشت بیش از هزار سال، هنوز آثار او معتبر و پابرجا و به عنوان منبع درجه اول به حساب می‌آید. تحقیقاتی که دانشمندان و جامعه‌شناسان امروزین در حیطه‌ی مردم‌شناسی انجام می‌دهند، بیرونی در قرن چهارم و پنجم هجری انجام‌داده و خدمات با ارزشی به جامعه جهانی کرده‌است [۴]. بنابراین در این نوشتار نگاهی خواهیم‌داشت به ابوریحان بیرونی، تا ویژگی‌ها و برجستگی‌های وی به عنوان یک انسان‌شناس مشخص‌شود. بنابراین در ادامه به معرفی دو اثر ماندگار ابوریحان بیرونی، تحقیق ماللهند و آثارالباقیه خواهیم پرداخت و محورهای اساسی این دو اثر را به اجمال توضیح خواهیم‌داد و این پرسش را مد نظرداریم که آیا حقیقتا در آثار ابوریحان‌بیرونی روش و بینش مردم‌شناسی (فرهنگ‌شناسی) وجود دارد؟

اهداف تحقیق

هدف کلی: بررسی مردم شناسی (فرهنگ‌شناسی) در آثار ابوریحان بیرونی (باتکیه بر دو کتاب تحقیق ماللهند و آثار الباقیه)

اهداف جزئی

- معرفی زندگی‌نامه ابوریحان بیرونی
- معرفی دو کتاب تحقیق ماللهند و آثارالباقیه و محورهای اساسی آنها
- بررسی بینش مردم شناسی ابوریحان بیرونی
- بررسی روش‌شناسی ابوریحان بیرونی در مطالعه فرهنگ ملل
- بررسی مردم‌شناسانه (فرهنگ شناسی) ملل (ایران و هند) در آثار ابوریحان بیرونی با تأکید بر دو کتاب تحقیق ماللهند و آثارالباقیه
- بررسی علل جدایی دو ملت ایران و هند از نگاه بیرونی

روش تحقیق

از پژوهش با عنوان مایه حیات علم نام برده میشود. بدون روش، هیچ پژوهشی به سرانجام نمی‌رسد و گستره معرفت بشری افزایش نمی‌یابد. امروزه هیچ اندیشمندی با این موضوع، مخالفت ندارد که فعالیت‌های علمی، بر مبنای به‌کارگیری روش‌های علمی انجام می‌شوند و در زمان سنجش چیزی که از آن با عنوان تولیدات علمی نام برده می‌شود، لازم است ملاک‌های بنیادینی مورد نظر باشند که از جمله این ملاک‌ها، میزان به‌کارگیری روش‌های علمی، رعایت چهارچوب‌های علمی است. براین اساس، مهم‌ترین ادعای روش پژوهش را که همه علوم، بر اساس آن توسعه پیدا کرده‌اند، می‌توان بدین صورت بیان کرد که روش پژوهش، زمینه تقرب پژوهشگر به پدیده مورد نظر را فراهم کرده، پرده از آنچه مجهول است کنار زده و اورا به آن روشی که به نظر درست‌تر می‌رسد هدایت می‌کند. بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین نتیجه خاص به‌کارگیری روش‌های پژوهش، افزایش میزان اطمینان به نتایج پژوهشی است [۵]. در این مقاله، به بررسی مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی در آثار ابوریحان بیرونی (باتکیه بر دو کتاب تحقیق ماللهند و آثار الباقیه) می‌پردازیم. این دو کتاب توسط محقق نامدار آلمانی ادوارد زاخائو گردآوری شده‌اند [۶و۷]. همچنین روش کار نیز به شیوه تحلیل محتوا و بررسی اسنادی (کتابخانه‌ای) می‌باشد. که در این روش شیوه گردآوری داده‌های تحقیق نیز مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، شامل کتب، مجلات، مقالات و استفاده از منابع اینترنتی می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

زندگی نامه و شرح حال ابوریحان بیرونی

پیش ازآنکه به آثار و اندیشه‌های ابوریحان بپردازیم لازم است از زندگی و زمان‌های که در آن می‌زیست، آگاهی پیداکنیم. زیرا امروزه بر ما مکشوف است شخصیت‌ها واندیشمندان، از افق فرهنگی و سیاسی یا همان فضای فرهنگی‌ای که درآن پرورش یافته‌اند، تأثیر می‌پذیرند و بازتاب آن دراندیشه و کردارشان آشکاراست. ازاین منظر، بررسی زندگی اشخاص و روندی که در مسیر رشد و شکوفایی گذرانده‌اند و فضاهای فکری‌ای که تجربه کرده‌اند، دارای اهمیت‌است [۸].

محمدابن احمد بیرونی، دانشمند برجسته ایرانی، در سوم ذی‌حجه ۳۶۲ هجری قمری(۱۸ دی‌ماه ۳۵۱ خورشیدی) در شهر کاث، از شهرهای ولایت خوارزم، به دنیا آمد [۹و۱۰]، و چون در بیرون شهر خوارزم به دنیا آمد به بیرونی معروف شد. او در کودکی علوم مقدماتی را فرا گرفت و پس از آن به خوارزم رفت و علوم قرآنی، فقه، ریاضیات، نجوم و حکمت را در خدمت ابونصر منصور بن علی آموخت [۱۱]، ابوریحان بیرونی در قرن چهارم و پنجم هجری زندگی کرد و حیاتش مصادف با اوج و تعالی فرهنگ اسلامی و حضور دانشمندان برجسته‌ای چون ابن سینا در میان مسلمانان بوده است [۱۲]. ابوریحان، یکی از نوابغ روزگار بود که بدون تردید عمق و اصالت آثارش در میان دانشمندان قرون وسطی بی‌نظیر است. حیات وی مقارن با حکومت آل‌زیار بود. ایشان، که از نوادگان زیار بن وردان شاه بود، و نسب خود را به یکی از سلسله‌های شاهان تاریخ افسانه‌ای ایران می‌رساند [۱۳].

ابوریحان از اعاظم، محققان و دانشوران مسلمان و از سرآمدان تاریخ علم و دانش‌های عصر خود بود. و از مجموع آنچه در درباره او گفته و یا نوشته‌اند و با نگاهی گذرا به مجموعه آثار او می‌توان به خوبی درک کرد که او تنها برای آموختن و تحصیل دانش زندگی می‌کرد، او علم را نه برای مال، و نه برای مقام و منصب، بلکه تنها به خاطر علم می‌خواست، به خاطر علم می‌نوشت و به خاطر علم زنده بوده‌است [۱۴]. بیرونی از سال ۴۰۸ تا ۴۲۱ هجری ـ قمری، ملازم سلطان محمود غزنوی بود و در مدت اقامت سیزده ساله خود در هندوستان، توانست زبان سانسکریت را بیاموزد و تحقیقات گسترده ای را درباب آداب و رسوم ، عقاید و فرهنگ و دیگر جنبه‌های علمی و فرهنگی هندوان انجام دهد. وی در همین زمان چندین کتاب را از زبان سانسکریت به عربی و بالعکس ترجمه نمود. حاصل زحمات او در هندشناسی ، کتاب فی تحقیق ماللهند است، یکی از عالمانه‌ترین و غنی‌ترین تحقیقات انسانی و اجتماعی که در دوران قدیم در زمینه مسایل مردم شناسی نوشته شده‌است؛ یعنی زمانی که چنین مطالعاتی در مغرب زمین از حد وقایع‌نگاری فراتر نمی‌رفته است. ابوریحان به سان مردم‌شناسی زبردست و متفکری متبحر، به تحقیق در زوایای زندگی فردی و اجتماعی هندوان پرداخته است. تاریخ در گذشت بیرونی مورد اختلاف نویسندگان بوده‌است. با این حال، نظر حکیم غضنفر تبریزی، صاحب کتاب المشاطهٔ لرسالهٔ الفهرست که حدود دو قرن پس از بیرونی نوشته شده است، باید صحیح‌ترین اقوال باشد که در گذشت او را روز جمعه دوم رجب سال ۴۴۰ هجری ـ قمری، ذکر کرده‌است. ابوریحان آثار مهمی از خود به جای گذاشته، که اکثر آنها در زمینه علوم ریاضی، نجوم، تاریخ و علوم طبیعی است، ولی آثار به جای مانده از وی درباره ملل قدیم و هندیان معاصر وی نیز از اعتبار علمی و جهانی برخوردار است. به هر حال، بیرونی از جمله اندیشمندانی است که آثار بسیاری از او در ابعاد مختلف علوم یاد کرده‌اند، هرچند اکثر آنها مفقود شده‌است و در دسترس نیست [۱۵]. بیرونی صاحب بیش از صد و شصت کتاب و رساله در علوم مختلف است که تبحر وی را در موضوعات علمی متعدد نشان می‌دهد [۱۶]. در نهایت باید گفت که بیرونی به‌عنوان بزرگترین محقق مسلمان در آسیای مرکزی، پاکستان و هند شناخته می‌شود [۱۷ و ۱۸].

نگاهی به آثارالباقیه و محورهای اساسی آن

آثارالباقیه اثر ابوریحان بیرونی برای نخستیسن بار در سال ۱۷۸۹میلادی، در لایپزیک انتشار یافت، و پس از آن در سال ۱۹۲۳میلادی، تجدید چاپ شد. این دو چاپ با تصحیح و تحقیق ادوارد زاخائو، خاورشناس توانای آلمانی، منتشر شد، و او در این تصحیح از دست‌نوشتی سود جست که با پیدا شدن دست نوشت دیگری در سال ۱۹۳۳میلادی، در ترکیه، آشکار شد که صفحات و سطوری از آن افتاده است. این دست نوشت جدید در سال ۶۰۳ هجری، کتابت شده بود و گفته می‌شود، بیرونی کتاب خود را در سال ۳۹۱ هجری، نگاشته است. در ادامه پس از زاخائو، دو تن از خاورشناسان به نام‌های، گاربرس و یوهان فوک، بر آن شدند تا افتادگی‌های چاپ زاخائو را از این دست نوشت استخراج کنند ودر کتابچه‌ای با عنوان "ساقطات الاثارالباقیه" به چاپ رسانند که همین چاپ به صورت آفست در تهران نیز منتشر شد. اما چاپ جدید این اثر توسط دکتر پرویز اذکایی، پژوهشگر ایرانی و با سخت کوشی‌های او به گونه‌ای شایسته انتشار یافته است. و از آنجا که زبان عربی برای متن‌پژوهان و محققان ایرانی، زبانی آشناست، استاد اذکایی متن کتاب را به زبان عربی باقی گذارده است، و مقدمه و یادداشت‌های خود و نیز یادداشت‌های زاخائو را به زبان فارسی آورده است. با وجود این، آنچه برای شیفتگان متون عربی از این چاپ مغتنم است، بهره‌گیری محقق از دست نوشته‌های یاد شده و ذکر تفاوت‌های میان آنها در پانوشت است، که اگر پاره‌ای از اغلاط چاپی و برخی بد خوانی‌ها نبود، می‌توانستیم آن را اثری دقیق به شمار آوریم [۱۹]. در چاپ دیگر آثارالباقیه، اکبر دانا سرشت می‌نویسد، ما از خاورشناس آلمانی که کتاب آثارالباقیه و ماللهند را در آلمان به طبع رسانیده سپاسگذاریم و اگر اقدام اونبود احتمال می‌رفت که این نسخه‌های خطی نیز مانند قسمت اعظم نوشته‌های بیرونی رهسپار عدم گردد و کوشش او در شناساندن بیرونی از راه ترجمه این دو اثر به اروپا بیشتر قابل قدرشناسی است [۲۰].

آثارالباقیه که در گاهشماری و شناخت زمان است، به معرفی گاهشماری ملت‌های گوناگون هندی، عربی، یونانی، یهودی و ایرانی می‌پردازد [۹]، آثارالباقیه با برخی مسایل ریشه‌ای که از مبادی یا مبانی گاهشناسی است، شروع می شود و سپس به موضوعات درون رشته‌ای آن می‌پردازد. تعریف شب و روز از دیدگاه اعراب، رومیان و ایرانیان، مبدأ شب و روز نجومی، تفاوت دیدگاه برخی از فقها با تعریف مورد اتفاق همه ملت‌ها در مورد شب و روز، نقد و بررسی دلایل فقهای یاد شده، تعریف ماه و سال، اقسام کبیسه در ماه‌های شمسی، حقیقت تاریخ و اختلاف ماه‌ها درباره آن، دیدگاه ایرانیان، یهود و نصاری در مورد عمر جهان که در سه فصل اول کتاب آمده است. می‌توانند از مسایل مبنایی و مبادی گاهشناسی به شمار آیند و موضوعاتی که در فصول دیگر کتاب مطرح شده‌اند، موضوعات درون رشته‌ای آن را تشکیل می‌دهند. ابوریحان در این کتاب، گهگاه به نقد و بررسی و احیانا استدلال بر مقصود خویش نیز می‌پردازد و از آن به عنوان تکمیل‌کننده مباحث گاهشناسی سود می‌جوید؛ مانند بررسی تورات و انجیل و بیان تحریف آنها، و بیان آمدن بشارت به آمدن پیامبر اسلام (ص) در تورات و انجیل، استدلال بر حدوث جهان و نقد ادله برخی از فقها در تعریف و تعیین مرز شب و روز. بیرونی در فصل‌های دیگر آثارالباقیه، به بررسی کتاب‌های مقدس مذهبی، انواع تاریخ‌های مشهور و غیر مشهور جهان، حوادث و شخصیت‌های مهم تاریخ، جشن‌ها و اعیاد ملت‌های مختلف، ایام ویژه و مناسبت‌ها، سال‌ها و ماه‌هایی که ملت‌های مختلف به کار می‌برند، ادیان مهم جهان، تاریخ هریک از ادیان و چگونگی استخراج بخشی از تاریخ به واسطه بخشی دیگر از آن می‌پردازد. او جدول‌های متعددی درباره زندگی، حکومت و اسامی شخصیت‌های اجتماعی ـ تاریخی در کتاب خود آورده است. وی در برخی موارد به مسایلی که ربط چندانی با موضوع کتاب ندارد، مانند مباحثی درباره نور، صوت و جریان آبها پرداخته‌است و سبب آن را ایجاد تنوع برای خواننده و زمینه‌سازی برای نشاط بیشتر در خواندن کتاب می‌داند [۱۵].

نگاهی به تحقیق ماللهند و محورهای اساسی آن

کتاب «ماللهند» بیرونی برجسته‌ترین اثر در تاریخ، دین، آداب و دانش هندوان است و از این رو می‌توان بیرونی را یکی از پیشگامان مردم‌شناسی و دین‌شناسی تطبیقی دانست. او در این پژوهش مردم‌شناسی خود با دشواری‌های بسیاری روبه‌رو بوده است. چرا که به عنوان یک مسلمان به سرزمینی پا گذاشته‌است که مردمش از مسلمانان نفرت دارند و فراگیری زبان آنها نیز بسیار سخت است. با این همه بیرونی سانسکریت را به‌خوبی می‌آموزد و می‌کوشد با مردم هند و دانایان هندی ارتباط برقرار کند و در پی پژوهش خود به جای جای هندوستان سفر می‌کند [۹]، این کتاب در سال ۱۸۸۷م، به انگلیسی ترجمه شده است. بیرونی در این کتاب، ادیان هند و فلسفه، ادبیات، تاریخ عادات، قوانین و به طوری مجموعه معارف آنان را در تاریخ و فلک و نجوم بیان داشته‌است. این کتاب را در حدود ۴۲۳ هجری، کمی پس از مرگ سلطان محمود سبکتکین غزنوی به پایان رسانیده است. در این کتاب بخش‌هایی از اساطیر مذهبی هندیان را یاد می‌کند و در عین حال جنبه‌های ریاضی و فلکی آن را مشروح‌تر بیان می‌کند. وچون در این کتاب نموداری کامل و تعریفی جامع شده‌است، پس باید آن را مهمترین اثری دانست که علمای اسلام در زمینه‌ی شناسایی ملتها فراهم کرده‌اند [۲۰]. بیرونی در فصل دوم کتاب، به بررسی نگاه هندیان به خداوند می‌پردازد و نظر خواص و بزرگان برهمن را به نقل از کتاب آنان بیان می‌کند و سپس به سراغ نظر عامه مردم می‌رود، در ادامه بیرونی در فصلی تحت عنوان «اجناس خلایق » به گروهی اشاره می‌کند که هندیان آنان را دیو می‌نامند،

و سپس انواع و اقسام آنان را توضیح می‌دهد. بیرونی در فصل «در مبدأ عبادت بتان» به بت‌پرستی هندیان اشاره می‌کند، سپس در فصلی دیگر به این خصلت هندیان می‌پردازد که هندیان را عادت نوشتن بر پوست و کاغذ و اینها نیست، و همین امر انتقال دانش را سخت می‌کند. او در ادامه به برخی از خرافات و جادوها و دعانویسی‌های هندیان اشاره می‌کند [۲۲]. بنابراین اهمیت این کتاب از آن جهت است که اوضاع و احوال هند را در عصر خود به صورت علمی و بسیار دقیق به ما نشان داده‌است، که همواره با گذشت زمان، برای همه ملت‌ها ارزنده باقی خواهد ماند، و منبع و مأخذ شناسایی هند تا به امروز است. بدیهی است که چنین اثری در نتیجه مسافرت او به هند و اقامت چهل ساله او در آن سرزمین بوجود آمده‌است [۲۱]، این کتاب را باید از نخستین آثاری دانست که نه در قالب سفرنامه بلکه در شکل یک تحقیق و پژوهش درباره یک فرهنگ خاص تألیف شده‌است، که تمام ابعاد آن فرهنگ، توصیف و بررسی می‌شود [۳].

بینش مردم شناسی بیرونی

بیرونی بنیان‌گذار علم مردم‌شناسی نیست، مردم‌شناس به معنای امروزی آن نیز نیست، چرا که لازمه مطرح کردن یک فرد به عنوان مردم‌شناس، این است که او از روی آگاهی و با استفاده از روش خاص به مطالعه و تحقیق در موضاعات مردم‌شناسی پرداخته باشد. و بنیان‌گذار نیز به کسی اطلاق می‌شود که بر اساس نیاز و ضرورت علمی در روش و موضوعیت بخشیدن به رشته‌ای سهیم باشد. با این حال بیرونی را می‌توان مردم‌شناس پیش از پیدایی مردم‌شناسی دانست. این بیان یک ادعا نیست، بلکه بازگو کننده یک واقعیت تاریخی ـ اجتماعی است و با قدری تأمل می‌توان آن را دریافت. مطلب فوق بدین معنی است که بیرونی مطالعات مردم‌شناسی را در عصری انجام داده‌است که رشته مردم‌شناسی به صورت امروزین مطرح نبوده است، ولی او همان کارهایی را انجام داده است (باسطح نازلتر) که مردم‌شناسان فعلی انجام می دهند [۱۲].

عوامل پیدایش مردم‌شناسی عبارتند از: ۱) کوشش دولت‌های اروپایی در به دست‌آوردن اطلاعات، به منظوراعمال نفوذ دراجتماعات بومی، ۲)یادداشت‌های برخی از اروپاییان در مورد آداب ورسوم ناشناخته اقوام، که بیشتر جنبه سرگرمی داشته‌اند، ۳) گزارش‌های مبلغان مسیحی که از فرصت‌های مناسبی برای تحقیق درباره مردمان بومی برخوردار بودند [۲۳و۲۴]. این عوامل، که موجب پیدایش مردم‌شناسی جدید شدند، در قرون سوم و چهارم هجری، که عصر بیرونی است، موجود نبوده است. این شرایط پس از پیدایش انقلاب صنعتی فراهم آمد و آنچه در گذشته انجام گرفته است، فقط گزارش‌ها و تحقیقات مردم شناسانه‌ای است که ما برحسب بینش و رشته مردم‌شناسی، آن مطالعات را بدین نام می‌خوانیم. براین اساس، به موضوعات مورد قبول مردم‌شناسان مربوط می‌شود، به روابط متقابل بین انسان و محیط، انسان و فرهنگ و سرانجام فرهنگ‌های مختلف و فعالیت‌های مربوط و موجود در هر فرهنگ، چون فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی، تکنولوژیکی، روابط خویشاوندی، زندگی خانوادگی، قوانین و مقررات، دین و معتقدات، زبان، نقاشی، رقص، فولکلور، اساطیر، آداب و سنن، که با مطالعه آثار بیرونی می‌توان به همه آنها پی‌برد [۲۴].

روش (متدولوژی) مردم شناسی بیرونی

اگر به این نکته توجه کنیم که مبانی و ارکان اصلی علوم امروز، قرن‌های متمادی با مفاهیمی کم‌و بیش مبهم و پیچیده هم‌عنان و هم‌داستان بوده‌اند، به خوبی می‌توان نقش بیرونی در روش‌شناسی علمی را تجسم کرد. بیرونی برحسب موضوع علوم مختلف، از روش‌های گوناگون بهره می‌گرفت. درجایی که ضرورت ایجاب می‌کرد از استقرا بهره می‌جست و درجای دیگر، از مشاهده، تجربه و یا قیاس بهره می‌گرفت و در برخی علوم حتی به حدس و مشهود عقلانی متوسل می‌شد [۲۵]. ابوریحان به عنوان یک دانشمند مسلمان، برای علم، هدف قائل است. اگر نقش علم، کشف از واقع و آشنایی با حقیقت است، طبیعی است که چنین خصلتی نخست خود دانشمند را پرورش می‌دهد و او را در درون خود متعهد می‌سازد که از کژی و نادرستی پرهیز نماید. ابوریحان از سال‌ها پیش، که دانشمندان در بحث‌های فرهنگ‌سازی و ادیان، سخن از شرایط و هماهنگی محقق با فرهنگ مورد مطالعه سخن بگویند، او عملا این شرایط را داشته و رعایت کرده است. یواخیم واخ، دین شناس معروف معاصر، فهم و شناخت ادیان مردم دیگر را به چهار شرط وابسته می داند:

۱. دانستن زبان آن مردم و درک مفاهیم اصطلاحات آنان به وجه مستقیم و بی‌واسطه، ۲) وجود زمینه عاطفی مساعد، ۳) داشتن شوق و اراده برای پی بردن به چگونگی حیاط روحی و دینی آن مردم، نه برای ارضای حس کنجکاوی خود یا به قصد غالب شدن بر آنان در جدل و مناقشه، ۴) داشتن تجربه دینی بدین معنی که اگر کسی خود حالات و کیفیات دینی را در وجود خویش احساس نکرده باشد، از شناخت و فهم این گونه حالات در دیگران عاجز خواهد بود. بنابراین شرایط که عملا بیرونی حایز این‌ها بوده‌است، روش مطالعه او، در مطالعه فرهنگ دیگران، روش تفهمی، مشارکتی و مقایسه‌ای بوده‌است. علاوه بر اینکه پس از آشنایی با کتاب‌های هندیان و زبان سانسکریت، از منابع اصلی فرهنگ هندی استفاده کرد، و روش اسنادی و کتابخانه‌ای (میدانی) را به کار گرفته‌است. و اینک مقداری به تفصیل درباره هر یک از این روش‌های مذکور بحث می‌کنیم [۳].

۱ـ روش مشارکتی: بیرونی با اقامت در سرزمین هند و فراگیری زبان دشوار سانسکریت و تحمل مشقت‌های بسیار در این راه، جهت برقراری ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با دانشوران و عوام آن جامعه، سعی داشته تا آنچه را تحصیل می‌کند، نتیجه همدلی با آنان بداند و از

این راه بتواند به کنه و عمق اعمال و رفتار فردی و اجتماعی آنان رهنمون شود [۲۶]. از ویژگی‌های ابوریحان در روش این است که با صراحت تمام به روش « مشاهده مشارکتی» می‌پردازد و از این روش پرده برمی‌دارد (کرمی‌پور ونصیری، ۱۳۹۶: ۱۶۲). روش مشارکتی، روشی است که امروزه مردم شناسان و جامعه شناسان برای توصیف و گزارش دقیق و منطبق با واقعیت مورد مطالعه، بدان توصیه و عمل می‌کنند، آنگونه که مالینوسکی، در نتیجه اقامت طولانی و مستقیم خود با بومیان جزایر اقیانوس آرام، توانست به فهم قواعد رفتاری و آداب و رسوم آنان نایل آید [۱۵].

۲ــ **روش مقایسه‌ای (تطبیقی):** از دیگر خصوصیات بیرونی در تحقیقاتش، تطبیق و مقایسه موضوعات مورد مطالعه با موارد مشابه آن در میان اقوام وملل دیگر است. او در کتاب فی تحقیق ماللهند، به مقایسه عقاید علمی و دینی هندوان با ملل دیگر مانند یهود و نصاری و مسلمین می پردازد. وی از قدیمی‌ترین دانشمندانی است، که مطالعه تطبیقی را در ادیان مطرح می کند [۲۷]. او در مقدمه تحقیق ماللهند ضمن مباهات به چنین روشی، معیارهای مقایسه‌ای را متذکر می‌شود. بنابراین، روش مقایسه‌ای نه تنها برای شناسایی و کشف نقاط اشتراک و افتراق فرهنگ‌هاست، بلکه بهترین شیوه برای تفاهم، نزدیکی و گفت وگوی تمدن‌ها می‌باشد:

«روش مقایسه‌ای ابوریحان نه تنها برای سهولت در شناساندن حیات اجتماعی و فرهنگی سایر ملل است، بلکه موجب نزدیکی و پی بردن به مشابهت فرهنگی با یکدیگر نیز می‌شود» [۲۸].

۳ــ روش تفهمی: دانشمندانی که از روش تفهمی در جامعه شناسی پیروی می‌کنند، به مانند ماکس وبر و دانشجویان مکتب وی، معتقدند که در مطالعه جامعه‌شناختی، ضرورت دارد که جامعه‌شناس به نوعی خود را با فرهنگ جامعه مورد مطالعه، هماهنگ سازد و مفاهیم و آیتم‌هایی که در آن جامعه وجود دارد، خود از درون آن‌ها را لمس کند. ابوریحان، با احراز این صفت، و با دورکردن هرگونه تعصب و تاریک‌اندیشی از خود و داشتن تجربه دینی به مطالعه جامعه هند می‌پردازد و با احساس عمق، فرهنگ جامعه هندی، حتی به داوری می‌پردازد و از جهل و غفلت دانشمندان در عدم آگاهی به جامعه هندی، انتقاد می‌کند. بیرونی به صورت قاعده عمومی، این اصل را تعمیم می‌دهد که وضع خواص با عوام در همه جامعه‌ها، یکسان است، و می‌توان در مقایسه آراء و اندیشه‌ها، به طور نسبی، از جامعه‌ای در رابطه با جامعه‌ای دیگر شاهد آورد [۳].

به نظر بیرونی « عقیده هندیان درباره خدا این است که او یکتا و ازلی و ابدی است، و آغاز و انجام ندارد، و در کنار خود توانا و حکیم و حی و محی و متقن و مدبر است، و در ملکوت و سلطنت خویش فرد و یگانه و از ضد و ند بری است، و چیزی با او همانند نمی‌باشد، و به چیزی شبیه نیست و برای تأیید این مطلب پاره‌ای از نوشته‌های آنان را نقل می‌کنیم تا آنکه، گفته ما تنها حکایتی نباشد که از راه گوش شنیده شده [باشد]».

«در کتاب پاتنجل پرسنده‌ای می‌پرسد؛ این معبودی که توفیق پرستش او خواسته می‌شود، کیست ؟ پاسخ داده می‌شود که او کسی است که به پاس ازلیت و وحدانیت خود بی‌نیاز از این است که کار را برای امیدی که به نتیجه‌ی آن دارد، یا برای اینکه از نتیجه آن می‌ترسد انجام دهد، و اورا افکار و عقول نمی‌توانند درک کنند، چون ضد و ندی ندارد و همه چیز به این دو شناخته می‌شود، و او به ذات خود علم سرمدی دارد. پس از این جواب سایل می‌پرسد؛ جز این‌ها گه گفتی آیا صفات دیگری هم دارد؟ پاسخ می‌شنود که او دارای برتری و علوی است که مکانی نیست که او مشتاق اوست، و عالمی است که علمش به پلیدی و سهو و جهل آلوده نگشته است» [۲۹].

۴ــ روش اسنادی: چهارمین روشی که ابوریحان به کار برد، روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. کتاب «تحقیق ماللهند» بهترین کتابی است که در زمینه آنتروگرافیک جامعه هندی تحریر یافته‌است. اهمیت این کتاب در این است که بیرونی ماده آن را از کتاب و یا از راه نقل‌و قول از دیگران بدست نیاورده است، بلکه نخست در فرا گرفتن چند زبان محلی کوشیده، سپس شروع به سیر و سیاحت در ایلات مختلف هند کرده و مواد کتاب را با مشاهدات و از منابع دست اول، با بررسی و تحقیق گرد آورده است. ابوریحان در مقدمه کتاب، پیرامون ثبت وقایع و اخبار اقوام وملل بحث کرده است، و درباره اینکه عده‌ای از مخبرین و نویسندگان وقایع، بی‌طرفی را کنار گذاشته و بر ضد و یا طرفداری افراد و جوامع و درباره مسایل به نادرست چیزی نوشته‌اند، آنان را مذمت می‌کند و هر دو حالت چه مدح و چه‌ذم را نوعی از غلبه «شهوت و غضب» می‌داند و آن را در شأن یک فرد محقق نمی‌داند و این شیوه تاریخ‌نگاری را دقیقا موشکافی می‌کند و علل و اسبابی که منجر به عدم امانت در تاریخ‌نویسی می‌گردد را توضیح می‌دهد. ابوریحان در این کتاب از چندین کتاب هندیان مانند، پاتنجل، گیتا و سانگ نقل قول می‌کند و از دانشمندان هندی به طور شفاهی سخن می‌گوید. ابوریحان عین این روش را در نقل گفتار راستین از اصحاب آراء و عقاید بدون تعصب و پیروی از هوا، در تحریر کتاب دیگر خود «آثارالباقیه » نقل می کند [۳]. بیرونی برای روش نقلی و استنادی خود همانند فقهای شیعه به صفات راویان اخبار متمایل می‌شود و می‌گوید «و چون دو گواه عادل بر این مطلب گواهی دهند، از آنچه گواهان زیاد شهادت داده‌اند اولی خواهد بود». یا در جای دیگر می‌نویسد: چون « مانی از کسانی است که دروغ را حرام می‌داند و به تاریخ ساختن هم نیازی نداست»، می‌توان به گفته‌های وی در زمینه تاریخ گذشته اعتماد کرد و اخبار وی را مطابق واقع دانست [۲۸].

مباحث مورد بحث بیرونی در مورد فرهنگ جامعه‌ی ایران

بیرونی در کتاب آثارالباقیه می‌خواهد با نظری اجمالی به بحث درباره تاریخ ایران باستان، ادیان و مذاهب موجود در جامعه ایران (و شاید در دوران بیرونی) و اعیاد و مراسم ایرانیان بپردازد، تا بتواند سیمایی از فرهنگ ایرانیان در ابعاد سیاسی، مذهبی و فرهنگی و مراسم سالانه ارائه بدهد که شاهدی باشد به جهت فرهنگ شناسی بیرونی:

۱ـ تاریخ ایران: ابوریحان، هرگز به آنچه تاریخ به معنای ذکر حوادث و اخبار خوانده می‌شود، نپرداخته است. دید ریاضی او، باعث شده که بیشتر به سمت ارقام متمایل شود. بیرونی امیدوار بود که بتواند به کمک محاسبات نجومی و مقایسه گاهشماری‌ها و تاریخ‌های مختلف و بحث و انتقاد در منابع، سال‌های حقیقی حکومت پادشاهان را دریابد. در ادامه تابلوها و جدول‌های فراوانی از سال حکومت هر سلسله تهیه کرد، و به بررسی آنها پرداخت. بیرونی از پیدایش انسان اولیه و اسطوره آفرینش از زبان ابن‌مقفع سخن به میان می‌آورد، و پس از آن به القاب عمومی شاهان می‌پردازد، و تاریخ ایران را به طورکلی به سه بخش و مرحله تقسیم می‌کند: ۱) از انسان اول تا اسکندر مرکب از پیشدادیان، ملوک ایلان (به معنی علویان) و کیانیان، ۲) از اسکندر تا ساسانیان، ۳) از ساسانیان تا اسلام، ابوریحان برای این سلسله ها، تابلوهایی از منابع کتاب خود نقل می‌کند و سپس مقایسه کرده و با نقد آنها، صحیح‌ترین روایات را انتخاب می‌کند [۲۰].

۲ـ ادیان و مذاهب: بدون تردید ما در عصر حاضر، معلومات زیادی از آنچه هزار سال پیش در مورد ادیان و مذاهب و جود داشته، در دست داریم و منابع پرباری در این زمینه از طرف دانشمندان تاریخ ادیان نوشته‌شده و در دسترس است. اطلاعاتی که بیرونی جمع‌آوری کرده، از منابعی بوده‌است که امروز از دست رفته‌است، و آنچه در آثار او باقی مانده در درجه اول اهمیت قرار دارد. روش او در بیان ادیان و مقایسه‌های جالبی که میان آنها کرده‌است، برای مطالعه در تاریخ و تطبیق ادیان، بسیار سودمند است. قسمتی از این مطالب را در «آثارالباقیه» در بخش «مدعیان پیامبری و اقوام فریب خورده» می‌توان پیدا کرد [۲۰]، همچنین درباره موضوعاتی از قبیل بت‌پرستان و بدعت‌گذارانی، همچون مانی، مزدک، حسین منصور حلاج و المقنع بحث می‌کند [۳۰].

۳ـ اعیاد، روزها و ماه‌ها: آثارالباقیه، بیرونی مهم‌ترین کتاب درباره اعیاد ملت‌های مختلف و فرهنگ‌های آنان است. او در این کتاب به اعیاد ایرانی، نام آنها و سنت‌ها و آیین‌های ملی اشاره می‌کند، که خود بخشی از فرهنگ جامعه ما است. بیرونی آداب و آیین‌های ایرانیان را در ذکر اعیاد آورده است، و چون در این آیین‌ها ، افسانه‌ها و خرافات بسیاری مخلوط شده و زبان زد عوام گردیده‌است، بیرونی تلاش دارد، که در حد توان خود، طبق رسالت نویسندگی، آنان را تصحیح کند [۲۰].

مباحث مورد بحث بیرونی در مورد فرهنگ جامعه‌ی هند

بیرونی آگاهانه و با روش ویژه خویش به مطالعه جامعه و فرهنگ هند پرداخته است. در این بخش به مباحثی می‌پردازیم که بیرونی در بررسی جامعه هند به آنها توجه کرده است:

۱ـ حقوق و سنن: هرچند که مردم‌شناسی حقوقی جدیدترین گرایش در رشته مردم‌شناسی است، ولی به مسایل مهمی می‌پردازد که قبل از پیدایش این گرایش در علوم دیگر، چون حقوق و سیاست و جامعه‌شناسی، مورد مطالعه قرار گرفته‌است. از جمله مسایل این شاخه از مردم‌شناسی، توجه به مبدأ و منشاء قوانین جوامع و چگونگی شکل‌گیری آن و رابطه قوانین با نهادهای اجتماعی و فرهنگی است [۲۴]، ابوریحان بیرونی به دو مسئله مهم مردم‌شناسی حقوقی توجه کرده‌است: اولا، منشأدینی قوانین، و ثانیا، جهت دینی سنن و قوانین و اینکه قوانین الهی و دینی تعیین‌کننده نظام اجتماعی جوامع آن روز و بویژه، جامعه هند است. بیرونی در توضیح این بحث از مواردی چون حرام بودن گوشت گاو، ازدواج، طبقات و شروع و نحوه نگرش مردم به حوادث تاریخی یاد می‌کند که همگی منشأ دینی دارند [۱۲].

۲ـ نظام خویشاوندی: بیرونی بی‌اغراق همچون یک عالم علم‌الاجتماع عصر جدید، به بررسی و تبیین وجوه گوناگون این پدیده می‌پردازد، و ازدواج را یک امر شرعی و الهی در میان تمام امت‌ها می‌داند. وی در مورد ازدواج سه نکته را متذکر می‌شود: ۱) ازدواج متعلق به هر امتی است، ۲) هر امتی در مورد ازدواج آداب و رسوم خاص خویش را دارد و۳) آداب و رسوم مربوط به ازدواج هر امتی از شریعت و اوامرالهی آن جامعه ناشی شده‌است. سپس به مباحثی از قبیل انواع ازدواج، تاریخچه ازدواج، سن ازدواج، مهریه، جهیزیه، طلاق، تعداد فرزند، تعداد همسر، زنا، قصاص، تحریم ازدواج با نزدیکان و ازدواج درون کاستی می‌پردازد [۴].

۳ـ طبقات اجتماعی: گرچه بحث طبقات اجتماعی از موضوع‌های جامعه‌شناختی است، ولی از دیدگاهی که بیرونی آن را مطرح کرده‌است، بیشتر جنبه مردم‌شناختی دارد. او متوجه دو مطلب عمده بود. نخست اینکه فلسفه پیدایش طبقات‌اجتماعی چه بوده‌است. و دیگر اینکه فونکسیون و کارکرد هر کدام از آنها در جامعه چیست. بیرونی تعریف مشخصی از طبقات اجتماعی یا آنچه در هند تحت عنوان نظام کاستی، ارائه نمی‌دهد ولی از بحث مربوطه می‌توان مشخصات نظام کاستی مورد نظر اورا دریافت:

۱) تقسیم جامعه به گروه‌های مشخص با حق ارثی، ۲) تعیین وظیفه و فونکسیون هر کدام از طبقات، ۳)عدم تحرک منزلتی، ۴) ازدواج درون گروهی، ۵) علایم و نشانه‌های هرکدام از کاست‌ها، بیرونی هر کدام از این عناصر را بطور مشخص و تحلیلی در کتاب تحقیق ماللهند خویش آورده است. او معتقد است که دین تعیین‌کننده نظام اجتماعی و تایید کننده نظام کاستی نیز هست [۲۴].

۴ـ دین شناسی: هند یک جامعه دینی است و تنوع گرایش‌های مذهبی در آن بسیار زیاد است. این تنوع و تعدد در مسایل مذهبی جامعه هند سبب می‌شود که محقق زمینه‌های دینی، در جامعه هند با مشکل انتخاب موضوع رو به رو می‌شود. بیرونی نیز در مطالعه جامعه هند به این گوناگونی برخورد کرده است. از این رو کمتر به بیان جزییات پرداخته، بلکه در کل به سه عنصر مهم دین شناسی توجه کرده است:

۱) اعتقادات دینی: دراین قسمت از بحث، وی متوجه اعتقادات، کتب و اعمال دینی جامعه هندی و دیگر جوامع بوده است [۱۲].

۲) بت پرستی : درباب اعتقادات، بیرونی دو طبقه عوام و خواص جامعه هندی را مطرح می‌کند که هرکدام شرایط فرهنگی ویژه‌ای دارند. خواص جامعه، تا امری را به تحقیق و تعقل در نیابند، نمی‌پذیرند ولی عوام، چون تکیه بر محسوسات دارند پرستش هر چیزی از آنان بعید به نظر نمی‌رسد، بنابراین پدیده بت‌پرستی در بین عوام یافت می‌شود. اساس بت‌پرستی نیز به همین طبقه از مردم باز می‌گردد. بیرونی برخلاف برخی مردم‌شناسان معتقد نیست که بت‌پرستی مرحله‌ای از مراحل تطور و تحول دین است. به اعتقاد او بت به دلایلی چند در آغاز در حد عامل یادآوری و تذکار حقایق دینی بوده، ولی در گذشت زمان خود مورد پرستش قرار گرفته است. بیرونی، بت‌پرستی را انحراف در پرستش و اعتقادات دینی می‌داند، که در مقابل خداپرستی قرارگرفته است. او معتقد است که امور زیر در پیدایش بت‌پرستی نقش داشته‌اند: ۱) شبیه‌سازی، وسیله‌ای بوده‌است تا امر مجرد و غیر محسوس را محسوس کنند، ۲) ابراز احساسات و تمایلات درونی، ۳) احترام به بزرگان و شخصیت‌ها، ۴)افسانه و قصص در کتب دینی، بیرونی علاوه بر بیان دلایل بت‌پرستی، مشخصات بت‌ها و رابطه بت‌ها با اعتقادات دینی، نظام اجتماعی، اقتصادی، بافت قومی قبیله‌ای جامعه هندی را نیز تشریح کرده‌است [۲۴].

۳) جادو و جادوگری: سومین عنصری که در امر دین شناسی ابوریحان وجود دارد، و یکی از مباحث علم‌الادیان اوست، جادوگری و کیمیاگری است. وی به منشأ جادو و جوامع جادوپرست و رابطه جامعه و نظام اجتماعی و اقتصادی و عناصر تشکیل دهنده‌ی جادو و ارتباط جادو با دین و علم پرداخته است. بیرونی در مورد آیین شمنی هیچ سخنی نگفته است و این نشان می‌دهد که او هیچ اطلاعی درباره‌ی این آیین نداشته است و یا جامعه مورد تحقیق وی، پیرو این دین نبوده‌اند [۴].

۵ـ آداب و سنن: بیرونی در کتاب تحقیق ماللهند، آداب و سنن جامعه هندی را تبیین کرده است. بیرونی در نقل آداب و سنن به علت و فایده و وظیفه هر کدام توجه دارد. اگر چه ممکن است در گذر زمان فونکسیون‌های آداب و سنن جامعه هندی تغییر یافته‌باشد و یا اینکه نظر بیرونی در مورد فونکسیون آداب و سنن در حال حاظر متفاوت باشد، ولی هدف، ارزیابی صحت و سقم نظریات او در این زمینه نیست، آنچه مهم است توجه بیرونی به این زمینه است. به عبارتی بحث دراین نیست که فونکسیونی که بیرونی برای آداب و سنن تعیین کرده است، به لحاظ عدم دسترسی به آن جامعه اثبات یا رد شود، بلکه صرفا چند مورد از آن را بیان می کنیم تا نوع گرایش او بازگو شود:

۱) تحریم آشامیدن و غذا خوردن در ظروف طلا و نقره: چون استفاده از این ظروف مخصوص امرا و سلاطین است و نه عامه مردم و چون پادشاهان طی زمانی از نظر مالی، وضع متغییر دارند، پس متداول شدن و استفاده کردن از آن در مجالس آنان ایراد دارد، زیرا گاهی ممکن است آن سلطان یا امیر احتیاج به پول بیشتر داشته باشد و یا اینکه به هر علتی مجبور شود از این ظروف برای تبدیل آن به سکه استفاده کند، و ناپدید شدن این ظروف باعث خواهد شد دشمنان بخیلی که در کار مملکت وارد شده‌اند واقف گردند و ضعف مملکت را دریابند، و به این علت است که استفاده از ظروف طلا و نقره را منع کرده‌اند تا کسی از جریان وضع مالی مملکت واقف نگردد [۱۲].

۲) هندیان غذا را دور می‌ریزند، ناخن‌ها را به علامت کار نکردن بلند نگه می‌دارند و افتخار می‌کنند. این سنت در نزد همه مردم هند رایج نیست، بلکه ثروتمندان به این سنت پایبند هستند، چرا که دور ریختن غذا و بلند نگه‌داشتن ناخن و تفاخر به این کار از نشانه‌های جامعه اشرافی است [۳۱].

پ) استفاده از بعضی زینت‌ها نیز پسندیده است، ولی اسراف در این امر، چه در مورد زن و چه مرد و زیاده‌روی تا حدی که بر درو پیکر خانه برسد، پسندیده نیست [۲۴].

علل جدایی دو ملت ایران و هند از نگاه بیرونی

جوامع انسانی بر اثر ارتباطات و تبادل‌های علمی و فرهنگی و اقتباس بهترین‌ها، به رشد و توسعه علمی و فرهنگی دست می‌یابند و میزان رشد و توسعه فرهنگی آنان، بستگی به سطح ارتباطات و تبادلها دارد. از سوی دیگر، در صورت فقدان تفاهم میان فرهنگی بین دو جامعه، امکان تبادل علمی و فرهنگی وجود ندارد و زمینه برای رکود و عقب‌ماندگی یک جامعه در جنبه‌های مختلف اجتماعی فراهم می‌شود. ابوریحان در خصوص جامعه‌ی هند زمان خویش، که یک جامعه بسته است، تباین در زبان، تباین در آداب و رسوم و خود بزرگ بینی را به عنوان عواملی نام می‌برد که راه نفوذ به درون فرهنگ جامعه هندی را بسته و این فرهنگ را برای دیگران ناشناخته ساخته است. او پس از مراجعت از هند نتیجه تحقیقاتش را در کتاب فی‌تحقیق ماللهند آورده‌است و در آغاز کتاب، اسباب جدایی دو ملت ایران و هند را از یکدیگر، در فقدان تفاهم میان فرهنگی و موانع آن یافته و آنها را چنین بر شمرده‌است:

۱ــ مباینت زبانی: به گفته بیرونی، زبان گفتاری و نوشتاری مردم هند، بسیار عریض و طویل و دشوار است، به گونه‌ای که برای یک شیء چند لفظ را به کار می‌برند، یا یک لفظ را برای چند شیء استعمال می‌کنند، به این دلیل برای رسیدن به معنای مورد نظر، نیاز به قرینه‌های بسیار است. همچنین زبان گفتاری آنها به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱) زبان مبتذل، که بازاریان به کار می‌برند، و ۲) زبان فصیح، که دارای اشتقاقات و دقایق نحوی و بلاغی فراوانی است که مورد استعمال اهل فضل و ادیبان آنان است. آنان کتاب‌های علمی خود را به قصد محفوظ ماندن از تحریف به نظم در می‌آورند، تا چنانچه چیزی کم و زیاد شود، به سرعت و آسانی تشخیص داده شود. این کار، به جهت شروع شدن با حروف ساکن دشوار بوده، کتابت برخی از آنها نیز برای دیگران مشکل است؛ به همین دلیل، نسخه‌برداران از کتاب‌های هندوان بی مبالاتی به خرج می‌دهند و لغات آنان را به غلت ثبت می‌کنند که باعث‌شده لغات جدیدی درست شود، که نه خود نسخه‌برداران آن را فهم می‌کند و نه اهل آن زبان [۱۵].

۲ــ مباینت دینی: دین نیروی متحد کننده انسان هاست و بسیاری از جوامع به واسطه دین وحدت یافته‌اند. حتی در جوامع ابتدایی، نقش بارز دین در حفظ همبستگی اجتماعی مشهود است [۴]. فوریو کلمبو، جامعه شناس ایتالیایی، تحقیقاتی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی جامعه آمریکا انجام داده و اتحاد و انسجام هریک از گروه‌ها را برپایه دین ملهم از آن دانسته است. دورکیم نیز در تحقیقات خود برجنبه‌های اجتماعی دین تکیه کرده و کارکرد آنها را در حفظ همبستگی جامعه، مورد تأکید قرار داده است. حتی انسان‌شناسان در مطالعات خود در باره جوامع ابتدایی، نقش بارز دین را در حفظ همبستگی اجتماعی دریافته‌اند. بر همین اساس، بیرونی معتقد است که میان عقاید دینی جامعه هند با مسلمانان جدایی عمیقی وجود دارد و از آنجا که آنان از مخالطه با بیگانگان و قبول آنان در جامعه دینی خود اجتناب می‌ورزند، داشتن ارتباط و رشته پیوند با آنان ناممکن است [۱۵].

۳ــ تباین در آداب و رسوم: آداب و رسوم هر جامعه‌ای، مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی است که انجام دادن آنها برای افراد متعلق به آن جامعه، به صورت عادت درآمده و آحاد آن جامعه، خرسندی خود را در گرو انجام‌دادن آنها می دانند [۳۲]، و برای متخلفین از رعایت آنها ، برحسب میزان عمومیت و اهمیت آنها، بازدارنده‌هایی وجود دارد. از این رو معاشرت افراد جامعه با جامعه‌ی دیگر که دارای آداب و رسوم خاص خود است، با دشواری صورت می‌گیرد و در برخی موارد جامعه‌ی نمی‌پوشد [۴]. بیرونی یکی از اسباب عدم ارتباط جامعه‌ی هندی را با جامعه‌ی غیر هندی، همین امر دانسته و بر این باور است که هندی‌ها در آداب و رسوم خود، با دیگران چندان تفاوت دارند که فرزندان خود را از غیر هندی‌ها و هیأت ظاهری و نحوه لباس پوشیدن دیگران می‌ترسانند و اجازه معاشرت با آنان را نمی‌دهند. او همانند مردم‌شناسان که به بررسی رسوم عجیب اقوام مورد مشاهده خویش می‌پردازند، به بیان رسوم عجیب و غریب هندی‌ها پرداخته و بابی را در کتاب خود به این امر اختصاص داده است [۱۵].

۴ــ خود بزرگ‌بینی: بیرونی درباره این صفت هندوها می‌نویسد: «اهل هند خود را از همگان برتر دانسته و معتقدند در روی کره زمین اصل و اساس همه چیز ما، اعم از زمین پادشاهی و دین و علم و بشر همان است که نزد آنان است و از هر جهت افضل دیگران هستند. از این‌رو، به خود می‌بالند. بخل ورزیدن از آگاهی دیگران بر معلوماتشان در سرشت آنان جای داشته است و سعی فراوان در عدم اطلاع دیگران، حتی هموطنان خودشان از دانسته‌هایشان دارند تا چه رسد بیگانگان» [۴]. آنان باور نمی‌کنند که در روی زمین غیر از شهرها و دانشمندان آنان، شهر یا دانشمند دیگری وجود داشته باشد، به گونه‌ای که اگر گفته شود در خراسان و فارس علم و عالمی هست، گوینده را نادان شمرده، گفته او را نمی‌پذیرند. بیرونی در تأیید گفته خویش نقل می‌کند که وقتی منجمان هند از مقام علمی او آگاه شدند، می پرسیدند نزد کدام استاد هندی علم آموخته‌است، و چون جواب می‌داد که آنچه می‌داند از دانشمندان هند یاد نگرفته‌است، سخن او را نمی‌پذیرفتند و نسبت سحر و ساحری به او می‌دادند. بدیهی است ایجاد ارتباط با کسانی که دارای چنین نگرش‌هایی هستند، مشکل است، و واکنش منفی از جانب آنان امری طبیعی خواهد بود. فایق آمدن بر چنین مشکلی، از راه آگاهی یافتن آنان به وجود جوامع و تمدن‌های دیگر میسر خواهد شد، و این آگاهی به قول بیرونی در صورتی به وجود خواهد آمد که چنین افرادی از سرزمین خود پا را فراتر گذاشته، با امت‌های دیگر ارتباط برقرار سازند [۱۵].

نتیجه گیری

بحث‌های گذشته نشان می‌دهد که ابوریحان بیرونی از روی آگاهی و با روش‌های خاص خود به مطالعه‌ی جامعه و فرهنگ ایران و هند پرداخته است. ابوریحان بیرونی دانشمندی، دارای سبک و روش در علوم بود، وی ضمن طبقه‌بندی علوم، سیستماتیک و نظام‌مند بوده است. ابوریحان درک بالایی از روش در علوم داشت و هر علمی را مطابق خودش طرح و بازبینی می‌کرد [۳۳]. بنابراین براساس نتایج بدست آمده ابوریحان بیرونی در مطالعه فرهنگ‌شناسی (مردم‌شناسی) از روش‌های مشارکتی، مقایسه‌ای (تطبیقی)، تفهمی و روش اسنادی استفاده کرده است. همچنین براساس نتایج بدست آمده ابوریحان بیرونی از بینش مردم‌شناسانه خوبی، نیز برخوردار می‌باشد. زیرا در کتاب تحقیق ماللهند این مباحث عمده وجود دارد: عقاید مردم، علوم معارف، دین و عقاید دینی، زبان و الفاظ و رابطه آنها با معانی گوناگون زبان‌ها، جادو، بت‌پرستی، علل جدایی ملت‌ها، آداب و سنن، قوانینن و سنن، ازدواج، جغرافیای طبیعی، اقوام و ملل [۱۲]، همچنین در کتاب آثارالباقیه با مباحثی چون، تاریخ ایران، ادیان و مذاهب، اعیاد، روزها و ماه‌ها اشاره می‌کند، که با مقایسه این موارد با موضوعات اصلی مردم‌شناسی معلوم می‌شود که بیرونی تا چه میزان از بینش مردم‌شناسانه برخوردار می‌باشد.

ابوریحان بیرونی دانشمند بزرگ اسلامی، با تألیفات متعدد خویش نقش مهمی در فرهنگ و تمدن اسلام و جهان ایفاکرد. او یکی از افتخارات تمدن اسلامی در قرن چهارم به شمار می‌آید. دامنه تحقیقات و تنوع تألیفات بیرونی بسیار گسترده‌است. دو اثر ارزشمند او کتاب‌های، تحقیق ماللهند و آثارالباقیه، در رشته‌های علوم انسانی، به خصوص مردم‌شناسی بسیار اهمیت دارند [۴]. در دوران معاصر نیز بسیاری از محققین اروپایی و حتی هندی، کتابهای بیرونی را به عنوان منبع اصلی می‌شناسند. سبک تحقیق نوین در حیطه مردم‌شناسی، که در اروپا از قرن ۱۶ میلادی، و با بیکن شروع شد، در قرن چهارم و پنجم هجری ـ قمری، با دانشمندانی چون بیرونی شروع شد و سپس رونق گرفت، و به اروپا نیز انتقال یافت. علاوه بر سبک نگارش کتاب ماللهند؛ که در زمان خود سبکی نوین است توجه به فرهنگ هند و مقایسه‌ی آن با سایر فرهنگ ها، نشانه تسلط و آگاهی ابوریحان از این فرهنگ‌هاست. در نهایت بررسی ما از آثار بیرونی نشان می دهد وی هم از بینش انسان‌شناختی قابل قبولی برخوردار بوده‌است، و هم روش‌های مناسبی در تلاش علمی خویش به کار گرفته است.

منابع

۱ـ بیتس ، دانیل و فرد پلاگ (۱۳۸۹) انسان شناسی فرهنگی ، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علمی
۲ـ فکوهی، ناصر (۱۳۸۱) تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران، نشر نی
۳ـ ثقفی، سید محمد (۱۳۹۰) نظریه‌های جامعه شناختی عالمان مسلمان، تهران، نشر جامعه شناسان
۴ـ اشرفی خیر آبادی، حمید (۱۳۷۸) مردم‌شناسی در آثار ابوریحان بیرونی؛ باتکیه بر کتاب فی تحقیق ماللهند، کتابنامه تاریخ و جغرافیا، صص۸۹-۸۰
۵ ـ بخشنده، مجتبی (۱۳۹۵) روش‌شناسی و روش تحقیق دانشمندان برجسته ایرانی (بیرونی و ابن سینا)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
6- Riaz, Ahmad, (2008) Al-Biruni: A Great Muslim Scientist, Philosopher and Historian (973 – 1050 Ad), Pakistan Vision Vol 10 No 1,pp167-178
7- Othman, Mohd. Yusof Hj (2009) Wacana Sejarah dan Falsafah Sians: Sains dan Masyarakat ,Kuala Lumpur: Dewan Bahasa dan Pustaka
۸ـ حاجی‌بابایی، مجید (۱۳۸۹) رویکرد و شیوه تاریخ‌نگاری ابوریحان بیرونی با تکیه بر الآثارالباقیه، مطالعات تاریخ اسلام، سال دوم، شماره‌ی ۵، صص ۷۴ ـ ۵۳
۹ـ جامعه مهندسان مشاور ایران (۱۳۹۰) مشاهیر ایران و جهان (ابوریحان بیرونی)، فصلنامه جامعه مهندسان مشاور ایران (فنی ـ مهندسی ـ آموزشی ـ پژوهشی) شماره ۵۵ صص ۱۲۸ ـ ۱۱۷
10- Sparavigna, Amelia Carolina (2013) The Science of al-Biruni, A.C.Sparavigna-The Science of al-Biruni, pp1-11
۱۱ـ صفی زاده (بوره که یی)، صدیق (۱۳۸۶) تاریخ فلاسفه ایران، تهران، نشر اندیشه خلاق
۱۲ـ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از آغاز تا دوره معاصر، تهران، نشر علم
۱۳ـ بیرونی خوارزمی، ابوریحان محمد ابن احمد (۱۳۹۵) آثارالباقیه عن القرون الخالیه (نسخه برگردان بر اساس دستنویس موزه گالیکای فرانسه) ، به اهتمام یوسف بیگ‌باباپور، تهران، انتشارات منشور سمیر
۱۴ـ توسلی، غلامعباس (۱۳۷۴) نظریه‌های جامعه شناسی (۱) ، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور
۱۵ـ رجبی، محمود و مجید کافی (۱۳۸۹) تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
۱۶ـ فلاح، نسرین (۱۳۹۷) سیمای ابوریحان بیرونی در آثار بزرگان ادب فارسی، مجله تاریخ ادبیات، دوره یازدهم، شماره۱، صص ۱۳۲ ـ ۱۱۳
17-Ibrahim,MuhammadKalab,(1976)Biruni Symposium, Colombia: Iran Center Colombia University.
18- Noviani Ardi , Mohammad, Fatimah binti Abdullah, Shihab al-Tamimi (2016) Al-Biruni: A Muslim Critical Thinker, International Journal of Nusant araIslam, Vol 4, No 1 ,p-p (1–12)
۱۹ـ الهادی، یوسف (۱۳۸۲) آثار پیشینیان از نگاه بیرونی، ترجمه محمد باهر، نشر تازه‌های میراث مکتوب، دوره جدید، سال اول، شماره دوم (پیاپی ۲۱)، صص ۱۹۲-۱۸۵
۲۰ـ بیرونی، ابوریحان (۱۳۷۷) آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، انتشارات امیر کبیر
۲۱ـ نعمه ، الشیخ عبدالله (۱۳۴۷) فلاسفه شیعه، ترجمه سید جعفر غضبان، تبریز، انتشارات فراکلین
۲۲ـ نساج، حمید (۱۳۹۲) سنجش ماللهند ابوریحان بیرونی براساس مولفه های شرق شناسی ادوارد سعید، دو فصلنامه علمی ـ پژوهشی دانش سیاسی، سال نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، صص ۸۶-۷۵
۲۳ـ روح الامینی، محمود (۱۳۶۸) مبانی انسان‌شناسی (گرد شهر با چراغ)، تهران، انتشارات عطار
۲۴ـ آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰) اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان از فارابی تا ابن خلدون، تهران، انتشارات سروش
۲۵ـ ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۹۵) ابوریحان بیرونی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، وابسته به موسسه انتشارات امیر کبیر
۲۶ـ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۳) تاریخچه جامعه شناسی؛ درآمدی به جامعه شناسی (۱)، تهران، انتشارات سمت
۲۷ـ صفا، ذبیح الله (۱۳۵۲) احوال و آثار بیرونی، تهران، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر
۲۸ـ مقیمی، غلامحسین (۱۳۸۲) مبادی نظری اندیشه سیاسی ابوریحان بیرونی، فصلنامه علوم سیاسی، سال ششم، شماره بیست و چهارم، صص ۱۶۹ ـ ۱۴۹
۲۹ـ بیرونی، ابوریحان (۱۳۶۳) فلسفه هند قدیم، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، انتشارات امیر کبیر
۳۰ـ حلبی، علی اصغر (۱۳۸۵) تاریخ فلاسفه ایرانی؛ از آغاز اسلام تا امروز، تهران، انتشارات زوار

۳۱ـ نجفی، محمد علی و مهیار خلیلی (۱۳۵۲) اندیشمند و انسان ابوریحان بیرونی، تهران، نشر اندیشه
۳۲ـ بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیان
۳۳ـ کرمی‌پور، الله کرم و ولی‌الله نصیری (۱۳۹۶) ابوریحان بیرونی: پدیدارشناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی دین، فلسفه دین، دوره ۱۴، شماره ۱، صص ۱۷۷ ـ ۱۴۵